

با مردم به نیکویی سخن بگوئید



سلسله تحریف و ادعا

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: این علم را از هر بازمندگان ، عادلانش برمیدارند و آن را از تحریف افراطگران و نسبتهای اهل باطل و تاویل جاهلان حفظ می کنند .^۱
برخی از صاحبان افکار انحرافی کلام خداوند سبحان را به گونه ای فهمیده اند که هماهنگ با منهج علمی موروث از سلف صالح نبوده و با مقاصد و ارزشهای بزرگ وحی الهی سازگار نمی باشند .
و آنان برخی آیات را که در شأن کفار نازل شده اند ، بر مسلمانان حمل می کنند .

و از آیاتی که به صورت خاص و استثنا نازل شده‌اند ، احکامی عمومی صادر نموده و معانی کلام خداوند را به تحریف نموده اند به گونه ای که منجر به رسوخ و یا سازنده مفاهیمی اشتباه و غلط در عقل و خرد عامه مسلمانان شده اسلام ندارند .
در خلال این سلسله مباحث با تحریف معانی آیات قران کریم از طرف صاحبان این افکار منحرفه و گسترده انفصال آن از فهم پیامبر بزرگوار صلی علیه وسلم و اصحاب گرانبقدر و سلف صالح و شریعت غرا آشنا می شویم .

۱ - حدیث مشهور صححه ابن عبد البر، وروی عن أحمد بن حنبل: أنه قال: هو حدیث صحیح.



www.sanad.network
twitter: @sanadnetwork
facebook.com/sanadnetwork
youtube.com/sanadnetwork
instagram.com/sanadnetwork



هر زخمی دارویی دارد
جز بد اخلاقی که درمان ندارد
علي بن ابي طالب كرم الله وجهه

- سخن نیکو با همه مردم.
- اقامه نماز و پرداخت زکات.

آنگاه خداوند از اغلب آنان ایراد گرفته است که از التزام این میثاق اعراض نموده و روی بر می‌تابند.

ما عظمت خطاب را در آیه از چندین جهت در می‌یابیم:

- این توجیه ربانی احسان و خوشرفتاری قوی و فعلی را با هم جمع کرده است.
- خداوند احسان و خوشرفتاری ربانی و عملی را بر نماز و زکات مقدم نموده است با وجود آن که این دو از فرائش و بلکه از ارکان اسلام هستند، بنابراین، معلوم می‌گردد که احسان و خوشاخلاق اساس همه معاملات است که الله تعالی به آنها دستور داده است.

خلاصه

- از این آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ معلوم گردید که:
- این آیه شامل همه مردم می‌شود و مخصوص مخاطبان مومن و نیکوکار نیست.
 - شامل همه مفاهیم خوشرفتاری می‌شود و فقط به امر به معروف و نهی از منکر منحصر نمی‌شود.
 - مخصوص بنی‌اسرائیل نبوده و امت اسلامی را نیز شامل می‌گردد.
 - محکم و باقی است و منسوخ نشده است..

بنابراین، آیه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ شامل همه سخنان نیکو می‌باشد و بر نوعی خاص منحصر نیست.

حسن اخلاق ظاهری و درونی

حسن اخلاق عبارت است از آن مقداری که آدمی بتواند با همه مردم آن را اعمال نماید و باید این اخلاق و گفتار نیکو از درون قلب نشأت گرفته باشد نه این که معامله محضی باشد. زیرا وقتی فرد مسلمان با کسی با نیکویی سخن می‌گوید، برای آنان خیر و خوبی را در دل دارد و این اساس خوشرفتاری و اخلاق نیکوست. (تفسیر ابن عاشور)

رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگز شما مومن نخواهید بود تا آن گاه که دوست بدارید برای برادر خود آنچه را که برای خود دوست می‌دارید.» (بخاری و مسلم)
بنابراین، وقتی در توان مردم نیست که با همه انسانها نیکوکاری نماید، خداوند دستور داده است تا با آنان با نیکویی سخن بگوئید و چون آدمی نمی‌تواند به همه انسانها کمک کند، حداقل از رفتار نیکو و سخن نیک و بذل نصیحت دریغ نوزد. (تفسیر بقاعی)

ربط دستور به سخن نیکو با تعالیم وارده در خود آیه چیست؟

برادر عزیز با من به سیاق این آیه دقت کن. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [بقره: ۸۳] یعنی: «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگوئید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.»



این آیه از بنی اسرائیل امور ذیل را پیمان گرفته است:

- توحید الله در عبادت.
- احسان قوی و فعلی با (والدین، خویشاوندان، یتیمان و مساکین)

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين
سيدنا محمد المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحبه أجمعين
خداوند مي فرمايد:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ - وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾. [بقره: ۸۳] يعني: «و چون از فرزندان اسرائيل پيمان محكم
گرفتيم كه جز خدا را نپرستيد و به پدر و مادر و خويشان و يتيمان و مستمندان
احسان كنيد و با مردم [به زبان] خوش سخن بگوويد و نماز را به پا داريد و زكات را
بدهيد آنگاه جز انديكي از شما [همگي] به حالت اعراض روي برتافتيد.»

يگانگي اخلاق و ارزشها

اخلاق: يك حالي ريشه دار در درون است كه از آن افعال و اقوال بدون فكر و
اندیشه صادر مي شوند.

و اخلاق نيكو يك ارزش انساني است كه همه اديان بدان فرا خوانده اند.
حسن اخلاق صفتي است كه به فطرت انساني مربوط مي شود.

اصول و ارزشها، امور ثابت بوده و قابل تجزيه نبوده و مكان و نژاد را نمي شناسند.

اگر حقيقت امر اين گونه است، پس مطالب پايين چرا ؟

براستي، افت و شكست خطرناك اخلاقي اي كه ما امروز با آن دست و پنجه نرم
مي كنيم در منظومه اخلاقي اي است كه همه اديان آسماني بدان فرا خوانده اند
و اختلال رواني در ترازوي صفت اخلاق مربوط به فطرت انساني است كه در احكام
خويش مكان و نژاد نمي شناسد، حال آن كه امروز به خللي در ثبات ارزشهاي لساني و
رفتاري در كيان جامعه اعم از فرد و گروه منجر شده است. همه اين موارد ما را به
ايستادن و پاسخ گويي به چند سوالي كه مربوط به آيه فوق هستند فرا مي خوانند.

- آيا مخاطب آيه فقط فقط بني اسرائيل هستند آن گونه كه برخي ادعا مي كنند
يا اين امت را نيز شامل مي گردد؟ آيا آيات شمشير آين آيه را منسوخ ساخته و
يا اين كه از آيات محكمات به شمار مي رود؟
- منظور از (ناس= مردم) در آيه چه كساني هستند؟

- منظور از اخلاق نيكو در آيه چيست؟
- ربط دستور به سخن نيكو با تعاليم وارده در خود آيه چيست؟

مخاطبان اين آيه چه كساني هستند؟

از سباق آيه به وضوح چنين برداشت مي شود كه آموزه هايي كه در اين آيه وجود
دارند توجهات آن در شريعت اسلامي براي ما ثابت مي شوند؛ چنانكه خداوند ما را به
توحيد و خوشرفتاري با والدين، خويشاندان، يتيمان، مساكين و همچنين به نماز و زكات
فرا مي خواند. همچنين به ما دستور رسیده است كه با همه مردم با نيكويي سخن
گوئيم، پس چگونه درست در مي آيد كه اين آيه مخصوص بني اسرائيل مي باشد؟
بنابراين، از نگاه شرع متصور نيست كه اخلاق نيكو مخصوص بني اسرائيل است و
جايي در شريعت پاك و نيكويي اسلام كه پايان بخش اديان آسماني ندارد؛ همان گونه
كه اعتبار نمودن اخلاق و ارزشها در جاگاه نسخ و يا تغيير امري غير ممكن است،
زيرا اين موارد از امور ثابت شده فطرت سليم مي باشند. به ويژه آن كه نبي اكرم
ﷺ فرموده است: «من فرستاده شده ام تا مكارم اخلاقي را به پايه تكامل برسانيم.»
(مسند بزار: ۳۶۴/۱۵).

در عين حال امام فخرالدين رازي در تفسير كبير و ابن حبان اندلسي در بحرالمحيط
دلایلي از قرآن ذكر کرده اند كه شمول بدون اين تعاليم و آموزه هاي ارزشمند براي
امت محمدي و بقاي آنها را بدون نسخ تاكيد مي كنند. چنان كه اين دو انديشمند
گفته اند: ابوجعفر، محمد باقر چنين پنداشته است كه اين عموميت آيه بنا بر
ظاهرش باقي است و نيازي به تخصيص ندارد و اين ديده گاه قوي تر است. (تفسير
رازي و بحر المحيط) و دليل آن اين است كه موسي و هارون علي رغم جلالت شأن
آنها به نرمي و رفق با فرعون دستور يافتند و همچنين پيامبر ما ﷺ به نرمي و
ترك خشونت دستور يافته است. خداوند مي فرمايد: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ [نحل: ۱۲۵] يعني: «با حكمت و اندرز نيكو به راه پروردگارت
دعوت كن.»

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا
اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ [انعام: ۱۰۸] يعني: «و
آنهايي را كه جز خدا مي خوانند دشنام
مدهيد كه آنان از روي دشمني [و] به ناداني
خدا را دشنام خواهند داد.»

امكان ندارد كه اخلاق و ارزشها را محل
نسخ و تغيير بدانيم حال آن كه آنها از
امور ثابت شده فطرت سليم هستند.

﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [فرقان: ۷۲] يعني: «و چون بر لغو بگذرند با بزرگواري
مي گذرند.»

﴿وَأَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [اعراف: ۱۹۹] يعني: «و از نادانان رخ برتاب.»

ابن عبييه در تفسير اين آيه گفته است: هر پيماني كه از بني اسرائيل گرفته شده
است: همان پيمان نيز از امت محمدي گرفته شده است. و اين حكمت ذكر
داستانهاي آنان و درج بدعي هایشان براي ما در قرآن است تا از در افتادن آن موارد
بپرهيزيم تا مبادا مانند آنان هلاك شويم. (تفسير ابن عبييه)
جمهور مفسران بر اين باورند كه اين آموزه ها شامل امت محمدي مي گردند و آنها
باقي بوده و منسوخ نيستند.
آلوسي گفته است: هر كس بگويد: مخاطب اين آيات امت اسلامي است و قول
محكم است يا اين كه با آيات جهاد منسوخ شده اند يا مراد از (مردم در آيه)
نيكان امت هستند، زيرا گفتار نيكو با كفار و فساق درست نيست، زيرا ما دستور
يافتيم تا آنان را نفرين نموده و مورد نگاهشان قرار دهيم و با آنان بجنگيم، چنين
فردی از راه صواب دور رفته است. (تفسير روح المعاني)

منظور از (ناس= مردم) در آيه چه كساني هستند؟

آيه كريمه از پيمان عامي سخن مي گوید كه كه خداوند آن را از بني اسرائيل گرفته
است و قبلا توضيح داده شد كه گروهی انكار ورزيده و معتقدند كه التزام به
ارزشها منحصر به قومي خاص و نژادي مشخص هستند التزام به به ارزشها زماني
واجب است كه آدمي با افراد و هم كيشانش تعامل مي كند و براي انسان جايز
است كه وقتي با افراد غير هم كيش خودش برخورد و تعامل مي كند، بر اصول و
ارزشها پايبند نباشد. چنان كه خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ أَهْلَ الْكِتَابِ مَنْ إِذْ تَأْمَنُهُ
بِقِنطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِذْ تَأْمَنُهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل
عمران: ۷۵ - ۷۶] يعني: «و از اهل كتاب كسي است كه اگر او را بر مال فراواني امين
شمري آن را به تو برگرداند و از آنان كسي است كه اگر او را بر ديناري امين شمري آن
را به تو نمی پردازد مگر آنكه دايما بر [سر] وی به پا ايستی اين بدان سبب است كه
آنان [به پندار خود] گفتند در مورد كساني كه كتاب آسماني ندارند بر زبان ما راهی
نيست و بر خدا دروغ می بندند با اينكه خودشان [هم] می دانند * آری هر كه به
پيمان خود وفا كند و پرهيزگاری نماید بی تردید خداوند پرهيزگاران را دوست دارد.»
بنابراين، چگونه رواست كه خداوند از آنان پيماني بگيرد كه از آن فهميده شود كه
اين نوع اخلاق و ارزشها مربوط به مكان خاصي مي باشند؟
لذا از اين آيه روشن مي گردد كه مقصود از آيه عموم مردم بوده و اصول و ارزشها

نژاد و مكان خاصي نمی شناسند و كساني كه مي گویند: اين فرمان الهي همه مردم را
شامل مي گردد، عبارتند از:

حضرت علي بن ابی طالب كرم الله وجهه، امام محمد بن باقر، عطاء بن ابی رباح، آن گونه
كه سيوطي در درمنثور نقل کرده است و ديده گاه شيخ مفسران ابن جرير طبري، فخر
رازي، ابن كثير، ابن حبان اندلسي، قرطبي، ماوردي، صاوي، بروسي، بقاعي و ابن عاشور
در تفاسيرشان نيز همين است.

چقدر ما نياز داريم تا به اين جمله علامه قرطبي در تفسير اين آيه بينديشيم كه
فرمود: «براي انسان مناسب است تا سخنانش در برابر مردم نرم و چهره اش در برابر
هر فرد نيكوکار و بدكار، اهل سنت يا بدعت بدون مدهانت گشاده باشد.»
بنابراين، آيه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ همه مردم را شامل مي گردد.

منظور از اخلاق نيكو در آيه چيست؟

از سياق آيه چنين معلوم مي گردد كه عموم و شمول حسن اخلاق بايد براي همگان
يكسان بوده و براي افراد مشخصي خاص نباشد، زيرا اين نوع تخصيص كه شامل
گفتار و كردار مي شود نسبت به والدين، يتيمان و مساكين مناسب در نمی آيد كه پس
از آن امر عامي بيايد كه از آن امر خاصي مدنظر قرار گرفته باشد.

رواياتي از ابن عباس وارد شده است كه اين معني را خاص مي گردانند، اما با اين
وصف حافظ ابن كثير توضيح داده است كه تفسير برخي نسبت به كلمه (حسن) كه
آن را خاص مي كنند عموميت معني را از بين نمی برد و در ضمن آن داخل مي شود.
يعني: با آنان به خوبي صحبت كنيد و در برابر آنان نرم باشيد. و در آن امر به
معروف و نهي از منكر داخل است، چنان كه حسن بصري در تفسير اين آيه: ﴿وَقُولُوا
لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ گفته است: مراد از سخن نيكو، امر به معروف و نهي از منكر، حلم
و شكيبايي، عفو و گذشت و گفتن سخن نيكو با مردم است همان گونه كه الله تعالي
فرموده است و اين شامل هر اخلاق نيكو و رضاييت بخش است.

از امام محمد باقر روايت شده است كه در تفسير اين آيه گفته است: با آنان
طوري صحبت كنيد كه دوست داريد آنان با شما صحبت كنند. (تفسير زادالمسير
ابن جوزي)

برخي از سلف سلام گفتن بر اهل كتاب و غير
مسلمانان را روا ندانسته اند و علما آنان را مجاب
ساخته و گفته اند: مراد از آيه: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ
حُسْنًا﴾ سلام گفتن است. (تفسير ابن كثير)

احنف ابن قيس مي گوید: آيا شما را از
بدترين داروها خبر ندهم؟ آنان پاسخ دادند:
بلي، او گفت: اخلاق بد و زبان ناسزاگو.